

ناتالیا سدوا تروتسکی، از بین الملل چهار جدا شد

ششمین شماره از سری جزوات تئوریک " سازمان کارگران کمونیست - C.W.O. " که به بررسی عمیق و پایه ایی نظرات و اندیشه های لئون تروتسکی اختصاص داده شده است، تحت عنوان: « تروتسکی، تروتسکیسم، تروتسکیستها » در اکتبر سال 2000، انتشار یافت. جزوه از سه بخش عمده تشکیل شده است: بخش اول به بررسی نظرات لئون تروتسکی و تروتسکیسم در فاصله بین سالهای 1917 تا 1940 مربوط است، بخش دوم به تروتسکی و چپ کمونیست انترناسیونالیست می پردازد، و سرانجام، بخش سوم به تروتسکیسم بعد از لئون تروتسکی اشاره میکند. جزوه همچنین شامل دو ضمیمه است: عنوان ضمیمه اول « ناتالیا تروتسکی از بین الملل چهار جدا شد » میباشد و ضمیمه دوم به « شرح تاریخی وقایع - تروتسکی و تروتسکیسم - از سال 1879 تا 1943 » پرداخته است. لازم به یاد آوری است که از همین سازمان در گذشته جزوه بسیار ارزشمندی تحت عنوان « منشأ تروتسکیسم » انتشار یافت که ترجمه فارسی آن در دسترس می باشد. ترجمه پیش رو که از متن اصلی انگلیسی است، شامل توضیح C.W.O. و همچنین بیانیه ی ناتالیا سدوا تروتسکی (ضمیمه اول) میباشد.

سعید سالک

توضیح C.W.O.

بیانیه ای که ملاحظه میکنید از جانب ناتالیا سدوا، بیوه لئون تروتسکی، پس از جدا شدن از جنبش تروتسکیستی صادر شد، و ما در اینجا به تکثیر مجدد آن اقدام میکنیم. ناتالیا استدلال میکند که، ترک قطعی تروتسکیستها از انقلاب پرولتری، نتیجه تسلیم آنها به استالینیسیم بوده است. تصمیم تروتسکیستها مبنی بر اطلاق مسکو - دولت مسلط در اروپای شرقی، بعنوان " دولت منحط کارگری "، و همچنین دفاع آنها از استالینیستهای روسیه، چین و کره شمالی در خلال جنگ کره، دو عامل کلیدی هستند که ناتالیا به آنها اشاره میکند.

نامه ی سدوا تروتسکی بر پایه ایی کاملاً متفاوت با سنت جریان انترناسیونالیست که C.W.O. و IBRP / دفتر بین المللی برای حزب انقلابی [*] به آن تعلق دارند، بنا شده است. اگر چه او بدرستی استدلال میکند که " دولت استالینستی " دولت کارگری نیست، اما در ردیابی ریشه های این توهم تروتسکیستی عاجز است. این چنین توهمی، در واقع به خود تروتسکی بر میگردد. دفاع تروتسکی از " میهن سوسیالیستی " در سال 1927 روشنگر تسلیم او به استالینیسیم در مراحل آغازین بروز اختلافات در درون دسته بندیهای بین رهبران حزب کمونیست روسیه و، البته در بین الملل کمونیست بوده است. حمایت ناتالیا سدوا از ضد - فاشیسم و همچنین " جبهه متحد " تروتسکیستها در سالهای 1930 بروشنی نشان میدهد که او قادر به ریشه یابی مواضع ضد انقلابی تروتسکیسم نگشته است.

با وجود بر این، بمنظور افزودن برگی بر تاریخ، که تروتسکیستها ترجیح میدهند آنرا بفراموشی بسپارند و از نظر دیگرانی که در تماس با آنها قرار میگیرند، پنهان دارند، تکثیر مجدد بیانیه مذکور را مفید دانستیم. سند قاطعانه فاصله ای که جنبش تروتسکیستی از تئوری و عمل انقلابی دوری جسته، نشان میدهد. از تاریخ نگارش بیانیه تاکنون بیش از نیم قرن میگذرد، در طول این مدت تروتسکیستها بیشتر و بیشتر در همان مسیر ضد انقلابی خود در حرکت بوده اند.

ذکر این نکته ضروری ست که SWP (حزب کارگران سوسیالیست) که در بیانیه از آن نام برده شده، در واقع بخش بین الملل چهار در ایالات متحده آمریکا بود؛ این حزب علی رغم قانونی بودن ترجیح میداد که خود را هوادار بین الملل چهار بنامد. در طول سالهای 1980 این گروه مسبب انشعابات متعدد در درون تروتسکیستها گشت و به هوراکشان بی شرم رژیم کاسترو در کوبا، تبدیل شد. حزب مذکور را نباید با حزب هم نام شان در انگلستان که منشأ آن ثمره یکی از انشعابات متعدد جنبش تروتسکیستی بریتانیا در سالهای قبل از انتشار بیانیه ناتالیا می باشد، یکی گرفت.

ناتالیا سدووا تروتسکی

مکزیک، دی - اف

9 مه 1951



رفقا،

شما خوب میدانید که پنج - شش سالی است، یعنی از پایان جنگ و حتی قبل از آن تاکنون، من با شما از نظر سیاسی هم عقیده نبوده ام. مواضع ای که در سالهای اخیر در مورد مسائل مهم اتخاذ کرده اید، به من نشان میدهد که، شما بجای تصحیح اشتباهات گذشته ی خود، به عمیق تر کردن آن اشتباهات اصرار میورزید. در مسیری که انتخاب کرده اید، هم اکنون به نقطه ای رسیده اید که سکوت بیش از این از جانب من ویا محدود کردن خود به انتقاد های درونی، امکان پذیر نیست. من اکنون باید نظراتم را بطور علنی بیان کنم.

گامی که احساس میکنم مجبور به برداشتن آنم، برایم بسیار مشکل و سنگین است و از این بابت صادقانه تأسف میخورم. اما راه دیگری موجود نیست. بعد از منتهای تفکر و تأمل در مورد مسئله ای که مرا عمیقاً می آزارد، به این نتیجه گیری رسیده ام که راه دیگری وجود ندارد، جز اینکه بطور علنی اعلام کنم که، اختلافات موجود بین ما، ماندن بیش از این در درون صفوف شما را ، برایم امکان ناپذیر کرده است. تا آنجا که به من مربوط میگردد، دلایل اتخاذ تصمیم نهائی ام برای اکثر شما روشن است. من در اینجا تنها برای آن عده ای که از دلایل ام آگاهی ندارند، بطور مختصر به توضیح آنها می پردازم. لازم است یادآور شوم که من در اینجا تنها روی اختلافاتی که از نقطه نظر پایه ای با اهمیت هستند انگشت خواهم گذاشت، و نه روی مسائل سیاسی روزمره.

شما کماکان معتقدید که دولت استالینیستی دولت کارگری است، این یعنی اینکه شیفته ی فرمولهای کهنه شده و از رمق افتاده بودن. من نه میتوانم و نه میخواهم در این رابط با شما، موافق باشم. از آغاز مبارزه علیه بوروکراسی غاصب استالینی، همه ساله، ل - د تروتسکی بر این نکته پای فشرد که، در شرایط افت انقلاب جهانی و قبضه ی تمامی ارگانهای سیاسی در روسیه توسط بوروکراسی، رژیم به راست گرایش پیدا خواهد کرد. او بارها به این مهم اشاره کرد که برقرار شدن و استحکام استالینیزم در روسیه چگونه به بدتر شدن وضعیت اقتصادی، سیاسی و موقعیت اجتماعی طبقه کارگر و به پیروزی ارستوکراسی ستمگر و صاحب امتیاز،

خواهد انجامید. او گفت اگر چنین روشی ادامه یابد، انقلاب به پایان خود خواهد رسید و سرمایه داری دوباره برقرار خواهد شد.

متأسفانه وضعیت فوق بوقوع پیوسته است؛ هر چند در قالبهای جدید و غیر منتظره. در این دنیا بسختی کشوری را میتوان پیدا کرد که در آن دارنده گان ایده های درست و حامیان سوسیالیسم مورد شکار وحشیانه قرار نگرفته باشند. این باید برای همه روشن باشد که انقلاب بطور کامل توسط استالینیسم ویران گشته است. با وجود این چنین رژیم غیر قابل توصیفی، شما کماکان میگوئید که هنوز روسیه یک دولت کارگری ست. من این را یک مُصیبت برای سوسیالیسم میدانم. استالینیسم و دولت استالینیستی اصلاً و ابداً نقطه ی مشترکی با دولت کارگری و یا با سوسیالیسم ندارند. آنها بدترین و خطرناکترین دشمنان سوسیالیسم و طبقه ی کارگرند.

شما هم اکنون بر این نظر هستید که، دولت های اروپای شرقی، که استالینیسم در طول جنگ و متعاقب آن، تسلط خود بر آنها را مستحکم نموده است، نیز دولت های کارگری هستند. این درست مثل آن می ماند که بگوئیم، استالینیسم به انجام وظیفه استقرار سوسیالیسم انقلابی نایل شده است. من نه میتوانم و نه میخواهم در این رابط با شما، موافق باشم.

در کشورهای اروپای شرقی، بعد از جنگ و حتی قبل از پایان آن، جنبش های انقلابی توده های مردم در جریان و در حال رشد بود. اما، این توده های مردم نبودند که بقدرت رسیدند. حاصل مبارزات آنان به استقرار یک دولت کارگری نیانجامید. این ضد انقلاب استالینیستی بود که در تصرف قدرت فاتح شد. استالینیسم با خفه کردن توده های کارگر، خفه کردن مبارزات انقلابی شان و آرزوهای انقلابی شان، این کشور ها را به بنده گان کرملین تبدیل نمود. وقتیکه میگوئید این بوروکراسی در کشورهای اروپای شرقی دولت کارگری برقرار نموده است، به این معناست که شما برای بوروکراسی استالینیستی نقش مترقی و انقلابی قائل هستید. با تبلیغ این دروغ بزرگ در درون کارگران پیش آهنگ، شما بین الملل چهار را از تمامی دلایل اساسی وجودیت اش بمثابة یک حزب جهانی برای انقلاب سوسیالیستی، محروم مینمائید. در گذشته، ما به این باور بودیم که، استالینیسم در تمامی سطوح اش نیروی ضد انقلابی ست. شما بیش از این به چنین موضع ای پایبند نیستید. اما من کماکان به آن پایبندم.

در سالهای 1932 و 1933، استالینیستها بمنظور توجیح تسلیم بیشرمانه خود به هیتلریسم، اعلان کردند که: - چندان اهمیتی ندارد اگر چنانچه فاشیسم قدرت را در دست گیرد، زیرا که سوسیالیسم از درون سلطه ی فاشیسم و متعاقب آن، سر در خواهد آورد. تنها دیوانه گان تهی شده از خوی انسانی و فاقد ذره ای اندیشه و جوهر سوسیالیستی، قادر به چنین استدلالی خواهند بود. هم اکنون، ارتجاع مستبد استالینی در اروپا [ی شرقی] بقدرت رسیده است و شما میگوئید این یکی از راه هائیتست که به سوسیالیسم منتهی خواهد شد. این نظریه بر گسست غیر قابل برگشت شما از پایه ای ترین اعتقادهای همیشگی جنبش ما، دلالت دارد و من به آنها پایبندم.

در مورد یوگسلاوی و رژیم تیتو، دفاع از مواضع شما برایم غیر ممکن است. همه انقلابیون و حتی تمامی دموکراتها می بایست از مقاومتهای سرسختانه مردم یوگسلاوی علیه کوششهای مسکو که میخواهد آنها و کشورشان را به بندگی بکشاند، حمایت و پشتیبانی نمایند. باید از هر کوششی که رژیم یوگسلاوی را در برابر مردم به عقب نشینی وامیدار، استفاده نمود. اما تمامی مطبوعات کنونی شما به گونه ای عذرناپذیر به ایده آله کردن بوروکراسی تیتوایستی که ابداً جایگاهی در سنت ها و معیارهای جنبش ما ندارد، اختصاص داده شده است.

این بوروکراسی کپیبه جدید بوروکراسی کهنه استالینیستی ست. نظرات، سیاستها و معنویات (G.P.U.) [پلیس مخفی روسیه] به این بوروکراسی انتقال داده شده است. در اصول، این رژیم هیچ تفاوتی با رژیم استالین ندارد. اگر چنانچه تبلیغ گردد و یا تصور شود که گویا، رهبری انقلابی مردم یوگسلاوی، از درون این بوروکراسی و یا از هر راه دیگری بجز از متن مبارزه بر علیه آن، ظهور خواهد کرد، احمقانه است.

موضع شما در رابط با جنگ که خود را ملزم به دفاع از آن میدانید، همچون مواضع دیگرتان، غیر قابل دفاع ست. جنگ جهانی سوم که بشریت را تهدید میکند، جنبشهای انقلابی را با حادثترین مسائل و پیچیده ترین اوضاع روبرو کرده و در نتیجه به اتخاذ مشکل ترین تصمیمات مواجه کرده است. مواضع ما، تنها پس از انجام جدی ترین بحث ها و در آزادترین شرایط، میتواند روشن شود. اما، علی رغم همه اتفاقاتی که در سالهای اخیر رخ داده، شما کماکان به

حمایت از، و هم پیمان کردن کل جنبش با، دولت استالینیستی مشغول بوده اید. شما حتی اکنون هم، از ارتش استالینی که در حال تحمیل جنگ بر مردم ماتم زده گُره است، دفاع میکنید. من نه میتوانم و نه میخواهم در این رابط با شما، موافق باشم.

در گذشته خیلی دور، در سال 1927 - تروتسکی در پاسخ به سؤال ناصاندقانه ای که در بوروی (Bureau) سیاسی توسط استالین از او شده بود، نظر خود را این چنین بیان کرد: برای میهن سوسیالیستی، آری! برای رژیم استالینیستی، نه!

این پاسخ تروتسکی در سال 1927 بود؛ حالا، 23 سال بعد از آن، استالین هیچ چیز از میهن سوسیالیستی باقی نگذاشته؛ بجای آن، حاکمیت مطلق استالینیستی، خفت، اسارت و بندگی را بر مردم تحمیل کرده است. نظامی که پیشنهاد میکنید در جنگ از آن دفاع شود همین است، و شما هم اکنون در گُره از آن دفاع میکنید.

من خیلی خوب میدانم که شما هر از چندگاهی میگوئید به استالینیسم انتقاد دارید و با آن مبارزه میکنید. اما واقعیت این است که، موضع شما دفاع از حکومت استالینیستی ست، انتقاد و مبارزه شما نیز بر اساس همین موضع بنا شده و تابعی از آن است. بنا بر این نمی تواند مثمر باشد. هر کسی، با هر نیت ی، از چنین رژیم وحشی و ظالم دفاع کند، به اصول سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پشت کرده است.

شما در پیامی که اخیراً از جانب مجمع S.W.P. بمن ارسال گردید، نوشتید که نظرات تروتسکی کماکان راهنمای شما خواهد بود. باید بشما بگویم که من با خواندن تمام پیام تان بسیار ناراحت شدم. همانگونه که بیانیه ام نشان میدهد، من در سیاستهای تان نظرات تروتسکی را نمی بینم. به آنچه که گفته ام اطمینان دارم. من مطمئن هستم که تنها راه برون رفت از شرایط فعلی، انقلاب اجتماعی، رهائی پرولتاریای جهان بدست خود، است.

* این تشکیلات هم اکنون نامش را به "گرایش کمونیست انترناسیونالیستی" تغییر داد.